

قیام‌الدین ستاری*

بازیافتهای تمدن ایرانی در تاجیکستان

سرزمین تاجیکستان یکی از قسمت‌های آسیای مرکزی می‌باشد که در قدیم‌الایام با نامهای ورز رود، ورا رود یا فرارود شهرت داشت و پس از فتوحات اسلام نام جغرافیایی ماوراءالنهر را به خود گرفت.

اجداد تاجیکان و اقوام آریایی (ایرانی‌نژاد) در این مرز و بوم از زمانهای قدیم در سواحل رودهای جیحون و سیحون، زرافشان و وخش، سرخاب و خنگاب به سر می‌بردند و طی قرون متمادی دولتهای مقتدر باختر، سغد، خوارزم، سپس کوشانیان و هیتالیان، صفاریان و طاهریان و بالاخره سامانیان را تأسیس کردند و در رشد و رونق علم و فرهنگ، هنر والا و تمدن بشری سهم بارزی از خویش به یادگار گذاشتند.

تاجیکستان کنونی جزئی از سرزمین خراسان بزرگ (ایران‌زمین تاریخی) بوده، میهن اصلی اقوام آریایی (ایرانی) و مهد تمدن ایرانی و زبان پارسی دری محسوب می‌یابد. این نکته مهم را اکثر خاورشناسان ورزیده جهان ذکر نموده‌اند. از جمله دانشمند معروف ایرانی، پروفیسور سعید نفیسی در این باره چنین فرموده است:

«در شمال و شرقی ایران امروز سرزمین بسیار حاصلخیزی واقع است که ما دلبستگی مخصوصی به آن داریم. بسیاری علمای بزرگ عقیده دارند که نژاد آریایی در آن سرزمین، در دامنه کوههای هندوکش، در کنار رود جیحون و سیحون

* محقق، استاد دانشگاه

نخستین روزهای زندگی خویش را گذرانیده است. کتاب آسمانی ایران قدیم، یعنی اوستا کشوری را نشان می‌دهد که آب و هوای آن خلد زمین بود و اجداد ما نخست در آن جا پرورش یافتند و به قرینه می‌توان یافت که مراد از همان ارض موعود ایرانیان همین خطهٔ دلکش سواحل جیحون و سیحون است. علمای تاریخ عقیده دارند که ما ایرانیان از آن جا آمده‌ایم و ایران امروز به منزلهٔ خانهٔ دوم ماست.

از زمانهایی که تاریخ باستان و اساطیر ما به یاد دارند، اسم این سرزمین اغلب برده می‌شود و نواحی مختلف آن جایگاه پیشدادیان و کیانیان بوده است. در زمان هخامنشیان و پس از آن در روزگار ساسانیان این ناحیه یکی از آبادترین قسمت‌های ایران بود. ایالات باختر و سغدیان تمام این دو دورهٔ بزرگ ایران را فرا گرفته است. بزرگان ایران اغلب از این سرزمین برخاسته‌اند. هر کتاب فارسی که می‌خوانیم، همیشه ما را به یاد این وادی نیاکان می‌اندازد. چه قدر پدران ما در آن جا مدفون شده‌اند. تا اواسط قرن دوازدهم سطری از تاریخ ایران نیست که یک بار اسم بخارا یا سمرقند یا بلخ در آن برده نشده باشد. آرزوی من این است که این سرزمین پاک نیاکان خود را زیارت کنم و یک بار در عمر خویش زبان پارسی را از زبان سمرقندیان و بخارائیان بشنوم.^۱

متأسفانه، بر اثر سیاست مغرضان کمونیست بلشویک و پس از تحولات دولتی، ۲ سپتامبر سال ۱۹۲۰م. امارت بخارا به جمهوریهای ملی به اصطلاح «تبرتقسیم» شد و تاجیکان - قدیمترین ساکنان بومی این سرزمین باستانی از مراکز فرهنگی خویش - بخارا و سمرقند محروم گردیدند و منطقهٔ کوهستان بخارای شرقی جمهوری تاجیکستان را بنیان نهادند و بیش از هفتاد سال زیر ظلم و سلطهٔ روسهای اجنبی به سر بردند و بالاخره سال ۱۹۹۱ میلادی بر اثر فروپاشی اتحاد

شورویی صاحب‌استقلال گردیدند. اینک، جمهوری تاجیکستان قریب بیست سال می‌شود که چون دولت مستقل و صاحب‌اختیار در عرصه جهان شناخته شده و زبان رسمی دولتی‌اش فارسی تاجیکی است.

چنان که یادآور شدیم، دامنه کوههای پامیر یا بدخشان که ادامه سلسله کوههای هندوکش است، از زمانهای قدیم مکان سکونت اقوام ایرانی‌نژاد بوده که باز یافته‌های باستان‌شناسان گواه این گفته‌هاست. در قلمرو تاجیکستان، آثار تمدن باستانی عصرهای مختلف: سنگ، برنز، آهن، زمان حکمرانی دولتهای باختر، سغد، خوارزم، هخامنشی، یونانی و مقدونی، یونانی و باختر، پارتی (اشکانی)، کوشانی، هونها، هیتالیان، ساسانیان، سامانیان و غیره مکشوف گردیده است که تاریخ قدیم و تمدن باستانی و غنی این سرزمین باستانی را بازگو و ارزیابی می‌کند.

آثار تاریخی عهد عصر حجر- در حدود تاجیکستان موضعهای باستانی قرابرا در ناحیه جلیکول وادی وحش، مغاکهای آغزیکچیچیک و کول بلیان در ناحیه دنغره، باششگاه شغناو در ناحیه خاولینگ، مغاک خواجه‌غار در ناحیه اسفره، باششگاههای توت‌قول در نزدیکی شهر نارک، قرتاغ در ناحیه یوان، آبی‌کیک در ناحیه خراسان (سابق غازی‌ملک)، آشخانه در بدخشان، تپه‌غازیان در ناحیه حصار و غیره متعلقند. عالمان باستان‌شناس پس از تحقیق و بررسی عمیق قدیمی‌ترین موضعهای سکونت انسان به بدین نتیجه رسیده‌اند که اجداد تاجیکان و دیگر اقوام آریایی در سرزمین تاجیکستان کنونی ۴۰۰ - ۵۰۰ هزار سال پیش به سر می‌بردند. از این موضعهای باستانی سکونت انسان دوره ابتدایی، افزارهای برنده سنگی، امثال کارد، خنجر، بیلچه، پیکانه‌های سنگی و هکذا کشف گردیده است که اکنون در موزه‌های تاجیکستان، شهرهای سن‌پترزبورگ و مسکو روسیه محفوظند. بر اساس

این آثار عالمان سرشناس تمدن قدیم ایرانی در این منطقه را تحقیق کرده‌اند که در علم باستان‌شناسی با اصطلاح «تمدنهای حصار و قره‌تاغ» یاد می‌شود.

در نواحی مختلف تاجیکستان تصویرهای روی سنگ یافت شده که پژوهش عمیق آنها برای درک تفکر و جهان‌بینی انسانهای اولیه این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در این منظره‌های مختلف زندگی و اعتقادات مردمان ایرانی‌نژاد، به ویژه شکار گاو میش‌های وحشی، گورها، بزهای کوهی (نخچیر)، گراز و خرسها نقش گردیده‌اند که از کل تصاویر در روی سنگ حجاری شده آسیای مرکزی قدیمی‌تر به حساب می‌روند و از آثار هنری اقوام ایرانی‌نژاد دیار فرارود شهادت می‌دهند.

در سرزمین تاجیکستان از عهد باختر، هخامنشی، یونانی و مقدونی، یونانی و باختری، کوشانی و هیتالی شماری آثار ارزشمند تاریخی و فرهنگی کشف گردیده است. یادگارهای تاریخی با اسامی: بلدی‌تپه، کیقبادشاه، قلعه میر، سرزم، تپه شاه، تخت سنگین، تخت قباد، اشترم‌الله، دز توس، قلعه زال زر، منظر تپه، بیشکندقلعه، دقیانوس‌قلعه، کافرقلعه، دیرهای بودایی اجنه‌تپه، قلعه کافرنهان، دیر مغاکی بودایی خواجه‌مستان، قلعه‌های قهقهه، چهل حجره، سنجرشاه، شهر پنجکنت قدیم و غیره که تعداد آنها خیلی زیاد است، آثار ارزشمند تمدن ایرانی قبل از اسلامی می‌باشند.

«دقینه آمو» یکی از مجموعه‌های گرانبهایی است که در حدود ناحیه قبادیان تاجیکستان سال ۱۸۷۷ میلادی تصادفاً از جانب ساکنان بومی میهن شاعر و متفکر بزرگ تاجیک حکیم ناصر خسرو قبادیانی یافت گردید. این بازیافتهای نادر را تجار بخارایی خریده، به هندوستان می‌برند و می‌فروشند. یکی از صاحب‌منصبان نظامی انگلیس این اشیای عتیقه را خریده، به موزه بریتانیای کبیر اهدا می‌کند. راجع به تاریخ و اهمیت بازیافت «دقینه آمو» عالمان معروف اروپایی، م. دالتون، ر. بارنیت

و ر. گیرشمن تحقیقات و پژوهشهای سودمندی انجام داده، به نشر رسانیده‌اند. بازیافت مذکور ۱۸۰ عدد بوده، از اشیای زرگری زرین، سیمین و سکه‌های قدیمی طلایی و نقره‌ای عبارت است. در بین این مجموعه نادر گردونه جنگی طلایی، تندیس‌های سیمین به شکل انسان، لوح زرین با تصویر جنگاور کلاه‌دار باختری، بازوبند و دستبانه طلایی با نوکهایی به شکل سر بز کوهی، تندیس زرین گوزن و هکذا هنر والا و معجزه دستان سحرآفرین هنرمندان باختر قدیم را نشان می‌دهند. این مجموعه نادر به چه دورانی تعلق دارد، سؤالی است که تا حال پاسخ دقیق خود را نیافته است. در میان علمای باستان‌شناس نظرهای مختلف در این خصوص وجود دارد، اما اعتقاد غالب آن است که بازیافتهای «دفینه آمو» متعلق به اواخر دوران شاهنشاهی هخامنشیان یا آغاز دوره یونانی و مقدونی است. «دفینه آمو» تا به حال در موزه بریتانیای کبیر محفوظ بوده، یادگار و شاهکاری از نیاکان هنرمند تاجیک است.

لازم به یادآوری است که در سالهای دهه ۶۰ قرن بیست میلادی، طی کاوشهای باستان‌شناسان شوروی در موضع «دفینه آمو»، آثار ارزشمند تاریخی و فرهنگی دیگری به دست آمد که با نام «تخت سنگین» مشهور است. این یادگاری تاریخی در ناحیه قبادبان، در ساحل راست رود جیحون (آمو) واقع گردیده و از معبد آکس عبارت است. رود جیحون یا خود آمو را یونانیان آکس می‌نامیدند که گونه تحریف شده واژه فارسی قدیمه «وخش» است. معبد مذکور را یونانیان و باختریان به شرف ایزد آب - و خش اعمار نموده بودند و طی قرون متمادی زیارت‌کنندگان به این معبد اشیا و ثروت گرانبه‌ای خویش را اهدا می‌کردند که برخی از آنها را ساکنان بومی در اواخر قرن نوزده میلادی یافتند و چنان که یادآور شدیم، با نام «دفینه آمو» شهرت جهانی پیدا کرده‌اند. به عقیده عالم ورزیده تاجیک، آکادمیک

باباجان غفوراف در کتاب خود- «تاجیکان» اسم «وخش» از واژه «وخشو» زبان فارسی قدیم است که با گونه «آخشا» یا «آنخشا» نیز رایج بوده است که در قرون بعد به «وخش» تبدیل یافته است. در زبان فارسی میانه ساسانی این واژه افاده‌گر ایزدی است که با مفهوم «آب جاری» رابطه داشت. در منابع قدیم هندی رود آمو را وخش می‌نامیدند و یونانیان آن را به شکل آکسوس تلفظ می‌کردند. در روی سنگ موزه شهر کلکته هندوستان چنین کتیبه باستانی ثبت است: «وخش- خدای یکتا و یگانه».

تصوّرات خدا، فرشته پنداشتن «وخش» در آسیای مرکزی تا دوران اسلامی در بین اقوام ایرانی‌نژاد این منطقه پایدار بوده است. مثلاً، دانشمند بزرگ خوارزمی ابوریحان بیرونی در ابتدای قرن یازده میلادی در «آثارالباقیه» یادآور شده است که خوارزمیان عیدی دارند با نام «وخش‌هنگام» و می‌افزاید: «وخش نام ملکی است ناظر رودها، از جمله رود جیحون». حالا این نام قدیم تنها در یکی از شاخه‌های رود آمو محفوظ مانده است و قسمت سرزمین تخارستان قدیم را در قلمرو تاجیکستان نیز به اسم رودی که از میان آن جاری است، وخش می‌نامند. این ملک زمانی به حیث دولت استقلال داشته، پایتخت آن شهر هلیورد بوده است که ویرانه‌های آن با اسامی کافرقلعه و قلعه زال زر در ناحیه کالخورآباد جنوب تاجیکستان واقع است. شیخ سعدی شیرازی در «بوستان» نیز از ملک وخش تاجیکان چنین یادآور شده است:

شنیدم که بگریست دانای وخش که یارب، مر این مرد را تو ببخش

شنیدم، در خاک وخش از مهان یکی بود در کنج خلوت نهان
و چنان که تذکر دادیم، در ریزشگاه رود وخش به رود آمو (جیحون)

یونانیان معبد آکس را به شرف ایزد آب اعمار کرده بودند. باستان‌شناسان هنگام کاوشهای علمی از تخت سنگین شمار زیادی آثار گرانبهای تاریخی: تندیس‌ها، تصاویر روی دیوار، اشیاء طلائی، کوزه و خمها، ظروف مختلف، سفالینه‌ها آلات سنگی، آجی، گچی و زیورآلات زرین و سیمین یافتند. در میان این آثار قدیمی تصویر برجسته آجی اسکندر مقدونی، تندیسهای سربازان یونانی و باختری، منظره‌های شکار، بزمهای شاهانه، افزارهای جنگی، امثال کلاخود، شمشیر، خنجر، کارد، پیکانهای آهنی، برنزی، سکه‌های زرین، سیمین و برنزی موجودند که از آمیزش تمدن یونانی (هلنی) و باختری ایرانی (آریایی) به طور واضح و روشن شهادت می‌دهند.

دیگر آثار تمدن ایرانی (آریایی) پیش از اسلامی در تاجیکستان خرابه‌های شهر کیقبادشاه می‌باشد. این یادگاری نادر تاریخی نیز در نزدیکی مرکز ناحیه قبادیان واقع گردیده، مساحت هفت هکتار را تشکیل می‌دهد که متأسفانه، بخش اعظم آن در قرن بیست میلادی تخریب شد. با وجود این، طرح این شهر قدیمی تا امروز باقی مانده، دیوارهای ضخیم گلی و برجهای مربع دارد. دیوارهای شهر از گل (پاخسه) و خشت خام ساخته شده، کنگره‌دارند. از خرابه‌های این شهر نیز آثار پرارزش تاریخی، فرهنگی و هنری یافت گردیده است که در موزه‌های تاجیکستان و شهر سن‌پترزبورگ روسیه محفوظند.

شهر کیقبادشاه از روابط دیرینه دیار فرارود با سرزمین ایران با زبان بی‌زبانی حکایت می‌کند. منابع تاریخی گواهی می‌دهند که شاه ساسانی قباد شهریار پس از شکست به ملک هیتالیان توران پناهنده می‌شود و با دختر شاه هیتالی ازدواج می‌کند. او در ساحل راست رود آمو که مرز بین توران و ایران (هیتالیان و ساسانیان) محسوب می‌یافت، شهری به نام خود بنیاد می‌کند و در آن جا چند سال

به سر می‌برد و در لحظه موافق و مساعد با کمک لشکر هیتالیان دوباره تاج و تخت خویش را در ایران تصاحب می‌کند. از همان عهد باستان تا امروز، این ملک با نام قبادیان و مرکز آباد آن با نام کیقبادشاه یاد می‌شود. در این سرزمین یادگارهای زیاد تاریخی، از قبیل شهر توس، دز توس و هکذا محفوظ مانده‌اند.

یادگارهای تاریخی تپه شاه، تخت قباد، داقیانوس قلعه، اشترم‌الله، قلعه میر در ناحیه قبادیان، دز توس، بیشکندقلعه در ناحیه شهرتوس، کافرقلعه، قلعه زال زر، اورتوبوز، کهنه‌قلعه در ناحیه کالخورآباد، اجنه‌تپه، چارگل‌تپه در ناحیه و خش نیز به عهد امپراتوری کوشانیان بزرگ تعلق دارند و از لحاظ تاریخی دارای اهمیت و ارزش فراوانند.

یکی از یادگارهای تاریخی و فرهنگی این دوره کافرقلعه می‌باشد که در وادی و خش - جنوب تاجیکستان واقع گردیده، پایتخت قدیم تخارستان - هلیورد بود. هنگام کاوشهای باستان‌شناسی از این ویرانه نیز آثار ارزشمند تاریخی، امثال قصر و کوشک، بناهای زیبا و مزین با نقش و نگار هندسی و صورتگری، ظروف مختلف سفالی، معبد بودایی با تصاویر و تندیسهای دینی و مذهبی، ارک، دیوار، برج و تیرکشیهای قلعه و هکذا از هنر والای مهندسی و معماری اجداد تاجیکان گواهی می‌دهند.

در این عهد شاهان سلاله کوشانیان بزرگ سرزمینهای سغد، باختر، فرغانه و قسمت اعظم هندوستان را تحت اقتدار خود قرار داده بودند. مذهب رسمی این دولت بزرگ، آیین بودایی به شمار می‌رفت. دین بودایی در دیار هند ظهور کرد و در عصر کوشانیان به باختر و سغد، فرغانه و چاچ (تاشکند) گسترش یافت و از آسیای مرکزی توسط مبلغان سغدی و باختری به چین، مغولستان، کره، ژاپن و دیگر ممالک مختلف منتشر گردید. در تاجیکستان آثار غنی تمدن عهد کوشانی محفوظ مانده‌اند.

یکی از آثار برجسته و پرارزش تمدن ایرانی عهد کوشانیان - قلعه

کافرنهان در هشتاد کیلومتری شهر دوشنبه، در نزدیکی دیهه ایسن‌بای ناحیه رودکی وادی حصار واقع گردیده است که از شهرک و معبد بودایی عبارت است. از این عبادتخانه نیز تصویرهای روی دیوار و مجسمه‌های مختلف بودا یافت شده که از لحاظ هنری و فرهنگی خیلی عالی و جذّاب و قابل توجه‌اند.

راجع به ارزش علمی و فرهنگی یک بازیافت هنری از این موضع تاریخی، آکادمیک باباجان غفوراف چنین اظهار نظر کرده است:

«در قسم تاجیکستانی شمال تخارستان چوب کنده‌کاری از قلعه کافرنهان به دست آمد. از این جا زیاده از پنجاه لوحه کنده‌کاری چوبین و قسمتهای چوبین عمارتها یافت شدند. مهمترین آن پاره‌ها لوحه چوبین کنده‌کاری دومتره است. در این لوحه دو طاووس تصویر شده است که رو به همدیگر دمه‌های زیبای خود را با شکوه جلوه داده، در منقار خود گل‌های زیبایی دارند. نقشه معمولی دیگر لوحه‌ها تصویر پُریچ و تاب شاخه تاک، خوشه‌های انگور، برگ نازک تاک و غیره می‌باشد. نقش قسمتهای چوبین عمارت از زنجیره‌های مختلف زیبا عبارت است. اسلوب نقش‌بری بغایت روشن و پویا بوده، با مهارت تمام و هنرمندی انجام داده شده است»^۲.

دیر بودایی اجنه‌تپه یکی آثار برجسته و پرارزش تمدن آریایی در تاجیکستان و منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود. این معبد در قرنهای ۶-۷ میلادی اعمار گردیده، در دوازده کیلومتری شرق قُرغان‌تپه، در حدود ناحیه و خش واقع گردیده است. مساحت دیر بزرگ نبوده، حدودش ۱۰۰ به ۵۰ متر و ارتفاعش ۶ متر است. معبد از دو بخش مربع‌شکل عبارت بوده، بخش اول را حیاط تشکیل می‌دهد که گرداگرد آن اتاقهای زیادی برای اقامت زاهدان بودایی ساخته شده است. در مابین هر بخش، عمارتی ساخته شده است که از دو قسم تالار مربع‌شکل که

طاقچه‌های زیادی دارد و در آنها تندیسهای کوچک بودا گذاشته شده بودند و در قسمت دوم آن ایوان جایگیر است.

در مابین حیاط دیری قرار دارد که آن را با اصطلاح بوداییان «استوپا» می‌نامند. استوپا در بالای صفه‌ای پله‌دار ساخته شده، بالایش را با چترها می‌پوشاندند. در اطراف استوپا دهلیزها اعمار گردیده‌اند که در طاقهای آنها تندیسهای مختلف بودایی گذاشته شده، روی دیوار و سقف دهلیزها در موضوعات گوناگون آیین بودایی تصاویر عجایب و زیبا نقش گردیده‌اند. در یکی از این دهلیزهای دیر تندیس بزرگ بودا در حالت نیروانا (آرامش ابدی) کشف گردید که ۱۲ متر درازی دارد و پس از تندیسهای سرخ‌بُت و خنگ‌بُت بامیان افغانستان، بزرگترین مجسمه بودا در جهان به شمار می‌آید. مجسمه بودا به پهلوی راست خوابیده، دست چپش را دراز کرده به پهلویش گذاشته و دست راستش را در زیر سرش نهاده است. دست و سر خود را در بالای بالش گلی پنج‌لایه نهاده است. درازی کف پایش ۱/۸ متر می‌باشد. بدنش را لباسهای سرخ پوشانده، تنها پنجه‌های دست و پای او عریانند. در پای بودا کفش سبکی است که آن را با تسمه‌ها می‌بسته‌اند. موی سر بودا جالب توجه بوده، هر تار آن را موج‌وار شانه زده‌اند. تندیس مذکور از گل پخته ساخته شده است.

از دیر بودایی اجنه‌تپه در ردیف مجسمه‌های کوچک و بزرگ بودا باز تعداد زیاد مجسمه‌ها، اشیاء سفالی، دیوارنگاره‌ها، سکه‌های زرین و سیمین و برنزی و دیگر آثار هنر معماری کشف گردیده است که اکنون در موزه آثار باستانی جمهوری تاجیکستان محفوظند.

سُغد - یکی از قسمت‌های بزرگ سرزمین اقوام آریایی بوده، از زمانهای

قدیم وجود داشت و ساکنانش به زبان سغدی که به گروه زبانهای ایرانی شرقی شامل است، تکلم می‌کردند. پایتخت دولت سغد - شهر مراکند (سمرقند) بود که فعلاً در حدود جمهوری ازبکستان واقع است. قسمت اعظم سرزمین سغد امروز جزء قلمرو جمهوری تاجیکستان محسوب می‌یابد که با اسم باستانی خود - ولایت سغد نام برده می‌شود. این ولایت به غیر از سرزمینهای سغد قدیم، بخشی از وادی فرغانه را نیز در بر می‌گیرد و مرکز معمور آن شهر باستانی خجند - زادگاه شاعر بزرگ ادبیات فارسی شیخ کمال خجندی و دیگر بزرگان تاجیک می‌باشد.

راجع به سغد و سغدیان برای نخستین بار در متنهای پارسی باستان - کتیبه‌های خط میخی متعلق به شاهان هخامنشی و در اثر «تاریخ» هرودت، مورخ یونانی قرن پنج قبل از میلاد معلومات داده شده است.

در کتیبه‌های پارسی باستان در میان ساتراپهای دولت هخامنشی، از سغد نیز در شکل‌های لغوی «Sugdā» یا «Sagdā» یاد می‌شود و موقعیت جغرافی آن در بین ایالاتهای خوارزم و باختر معین می‌گردد. اما کتیبه داریوش در جریان توصیف بنای کاخی در شهر شوش، پایتخت هخامنشیان از آن شهادت می‌دهد که بعضی سنگهای گران‌قیمت این کاخ از سغد منتقل شده‌اند. هرودت ضمن توصیف سپاه کوروش، شاهنشاه هخامنشی خاطرنشان می‌سازد که پارتها، خوارزمی‌ها، سغدیان با همان اسلحه‌ای به نبرد می‌رفتند که باختریها مسلح بودند...

سغد در متنهای کتاب اوستا نیز یادآوری می‌شود. در آن جا گفته شده که «گاوا» سرزمین سغدیان است و آن را اهورامزدا به عنوان دومین منطقه و از جمله بهترین اماکن جهان به وجود آورد.

راجع به سغد در منابع تاریخی به زبانهای پهلوی، عربی، فارسی، ترکی،

سریانی، ارمنی، بیزانسی، چینی و تبتی نیز اطلاعات فراوانی به نظر می‌رسد. از بررسی آثار کتبی دورهٔ بین قرون ۸ و ۹ میلادی معلوم است، زبان سغدی متعلق به شاخهٔ زبانهای ایرانی شرقی بوده است، لیکن یک سلسله متون سغدی خیلی قدیمتر، یعنی طی قرنهای اول تا چهار میلادی به وجود آمده است. یکی از لهجه‌های زبان سغدی در مثال زبان یغنایی (تنها بازماندهٔ زبان سغدی) هنوز نیز در منطقه‌ای از تاجیکستان رایج است، ولی لهجهٔ مذکور از لهجه‌های سغدی موجود در آثار خطی خیلی تفاوت دارد.^۳

معنای واژهٔ «سغد» را دانشمندان زبان‌شناس «رخشیدن»، «درخشیدن» و «سوختن» معنی کرده‌اند. در فرهنگهای فارسی دورهٔ اسلامی واژهٔ «سغد» به معنای «شیب زمین که آن جا آب جمع می‌گردد»، معنی یافته است.

از تمدن باستانی سغد در قلمرو کشورمان آثار زیادی کشف شده است. یکی از شهرهای قدیم سغد - سرزم به شمار می‌رود که به عهد برنز متعلق بوده، تاریخ بیش از پنج هزارساله دارد. دانشمندان در آخر قرن بیست میلادی این شهر باستانی را کشف کردند که تا به حال در این موضع حفریات ادامه دارد. هنگام کاوشهای باستان‌شناسی تعداد زیادی آثار تاریخی سغدیان کشف گردید. سرزم سرآغاز تمدن کشاورزی و شهرسازی در آسیای مرکزی محسوب می‌شود. آثار گرانبهای سرزم در موزه‌های تاریخ و کشورشناسی پنجنکت و موزهٔ آثار باستانی جمهوری تاجیکستان در شهر دوشنبه نگاهداری می‌شود.

در نزدیکی این شهر باستانی شکارگاه عهد هخامنشیان از جانب باستان‌شناس، دکتر علوم تاریخ عثمان ایشان‌قلاف کشف گردیده است که با منابع قدیم یونانی با نام «پردیز» ذکر یافته است. «پردیز» شکل یونانی شدهٔ واژهٔ فارسی

«فردوس» است. باید تذکر داد که این کلمه از جمله واژه‌های فارسی قرآنی محسوب می‌شود که به شکل «فردوس» به کار رفته است.

شکارگاه سرزم ۲۵۰ هکتار زمین را دربر می‌گرفت و اطراف آن با دیوار احاطه شده، در آن شیر و ببر، پلنگ وحشی، گورخر، آهو، نخچیر (بز کوهی) و غیره پرورش داده می‌شد و شاهان سغدی در آن جا به شکار مشغول می‌شدند. در مآخذ قدیم یونانی آمده که اسکندر مقدونی پس از فتح سغد در این موضع شکار و استراحت کرده است. قابل ذکر است که تا به حال در هیچ موضع ایران زمین باستانی، حتی در حدود جمهوری اسلامی ایران شکارگاه عهد هخامنشی کشف نگردیده است و از این لحاظ پژوهش و مطالعه این یادگاری تاریخی در آینده دارای ارزش فراوان علمی و فرهنگی می‌باشد.

شهر دیگر سغد - پنجکنت باستان است. خرابه‌های این شهر تا دوران اسلامی (قرنهای ۸ - ۱۵ میلادی) در نزد شهر کنونی پنجکنت که با اسامی تپّه قینر یا تپّه مُعکده یاد می‌شود، واقع گردیده‌اند. بیش از نیم قرن در این موضع باستان‌شناسان مشغول کاوشها و تحقیقات علمی می‌باشند. مساحت شهرستان پنجکنت بیش از ۲۰ هکتار را تشکیل می‌دهد که اطراف آن در مسافت ۱۷۵۰ متر با دیوار گلی احاطه گردیده است. ارک شهر در بالای تپّه‌ای به بلندی ۳۰ متر جایگیر است که محل سکونت شاهان پنجکنت بود. در اطراف ارک بخش شهرستان - محل سکونت اعیان و اشراف سغدی واقع بود که کوچه‌های راست و عمارتهای باشکوه دو سه طبقه داشت. قسمت اهالی‌نشین - جای اقامت مردم عادی این شهر، در مساحت عظیم دامن گسترده است. پنجکنت - زادگاه پایه‌گذار ادبیات فارسی ابوعبدالله رودکی سمرقندی بوده، بسیاری موضعهای تاریخی و باستانی دارد و در

ساحل رود زرافشان واقع گردیده است.

در خرابه‌های این شهر هنگام کاوشهای باستان‌شناسی آثار زیاد تمدن سغدیان بازیافت شده است. گرانبهاترین و نادرترین آثار هنری و فرهنگی این شهر باستانی دیوارنگاره‌های آن محسوب می‌شوند که در این شهر به تعداد زیاد کشف گردیدند. این دیوارنگاره‌ها یا تصویرهای روی دیوار را نقاشان مانی‌قلم سغدی با مهارت عالی و ذوق والا آفریده‌اند که بیننده را مفتون خویش می‌سازند. در دیوارنگاره‌های پنجکنت قدیم منظره‌های مختلف در موضوعهای اسطوره‌ای، به ویژه کارنامه‌های رستم دستان: جنگ او با اژدها، گرفتار گردیدن پهلوان اوراد به دست رستم، جنگ رستم با ارژنگ‌دیو، کشتن رستم دیو سپید را و هکذا تصویر یافته‌اند که به نام «رستم‌نامه» شهرت یافته‌اند. در بین دیوارنگاره‌ها تصاویر جالب در موضوعات مختلف آیین زردشتی و فولکلور سغدی نیز به نظر می‌رسد.

در سغد باستانی هنر پیکرتراشی نیز رواج و رونق داشته است. از خرابه‌های شهر قدیمی پنجکنت و دیگر موضعهای سغد، مجسمه‌های زیادی یافت شده‌اند. در بین این آثار مجسمه چوبین «رقاصه سغدی» بسیار باارزش و نادر است. هنرمندان چیره‌دست سغدی از گل، گچ، آج، چوب و دیگر مصالح پیکرهای مختلف ساخته‌اند که از لحاظ هنری و ارزش فرهنگی در سطح عالی قرار دارند. آثار هنری و فرهنگی پنجکنت قدیم، موزه ارمیناژ سن‌پترزبورگ روسیه، موزه تاریخ و کشورشناسی شهر پنجکنت و موزه آثار باستانی جمهوری تاجیکستان را زیب و زینت می‌دهند.

بازیافت کوه مَغ ناحیه عینی را چوپانی به نام جوره‌علی در سال ۱۹۳۲م. تصادفاً کشف کرده است. او هنگام چرانیدن بز و گوسفندان از مغاک کوه یک سبد

اسناد قدیمی را می‌یابد که بعداً دسترس پژوهشگران و محققین شوروی گردید. در نتیجه کاوشهای باستان‌شناسی یک مجموعه اسناد قدیمی به دست آمد که اکثر آنها به زبان و خط سغدی نوشته شده بودند. این اسناد قدیمی روی پوستهای دباغی‌شده - چرم، چوب و کاغذهای حریر چینی نگاشته شده، به بایگانی حاکم پنجکنت و اخشید (شاه) سغد - دیوشتیچ متعلق‌اند. در بین اسناد مذکور، قدیمترین نوشته‌ها به زبان عربی در آسیای مرکزی به دست آمد که نامه سرلشکر عرب عبدالله ابن جراح به حاکم پنجکنت و اخشید (شاه) سغد - دیوشتیچ است. نامه مذکور از جانب خاورشناس معروف روس، عرب‌شناس مشهور ا. ی. کرچکوفسکی (И. Ю. Крачковский) خوانده و ترجمه شد. دیگر اسناد این بایگانی نیز از جانب سغدی‌شناسان برجسته شوروی: آ. فریمین (O. Фрейман)، ا. لیفشیتس (A. Лившиц)، ا. باگالیابوف (A. Боголюбов) و آ. اسمیرناوه (O. Смирнова) خوانده، به زبان روسی ترجمه و تشریح شدند. عالم سغدشناس شوروی، پروفیسور آلبرت خروموف (Алберт Хромов) ارزش تاریخی و علمی و فرهنگی این بازیافتهای نادر را چنین ارزیابی کرده است:

«سال ۱۹۳۳م. خبر یک رویداد هیجان‌انگیز سرتاسر تاجیکستان را فرا گرفت. در خرابه‌های قلعه‌ای واقع در کوه مُغ، در نزدیکی دیهه خیرآباد (ناحیه عینی کنونی) یک سبد حاوی اسنادی به زبان سغدی پیدا شد. طی چند قرن در داخل یک سبد عادی گنج پربهایی همچون آرشبو اصل، اسناد متعلق به دفتر آخرین حاکم پنجکنت به نام دیواشتیچ محفوظ مانده است.

در ابتدای قرن هشت میلادی دیوشتیچ - شاهزاده سغدی از طرف سربازان خلافت اعراب در معرض تعقیب قرار گرفته و همراه عده‌ای معدود از سربازان رو به کوهستان نهاد و در قلعه نه چندان بزرگی در کوه مُغ پنهان شد. او در این جا در

برابر اعراب سرسختانه مقاومت نمود، ولی با حيله گرفتار دام و اعدام گرديد. اما او قبل از آن که گرفتار شود، فرصت يافت، تا اسناد خود را پنهان کند؛ چیزی که پس از صدها سال کشف شد، همین اسناد بود.

حالا ببینیم که دیوشتیچ و همزمانش چه میراثی برای ما گذاشتند: ۷۴ فقره سند نوشته شده بر روی چرم، حریر و چوبهای پوست کنده یادگار دیوشتیچ برای آیندگان است. در میان آنها پیامهای دیوشتیچ و نامه‌های عنوانی او، اسناد مختلف حقوقی، یادداشتها و دستورهای اداری و اقتصادی، تقویم سغدی و یک سند عقد نکاح هستند. اسنادی که دارای اهمیت فراوان علمی است که کاملاً کشف رمز و خوانده شده‌اند. این بازیافت باستان‌شناسی و روایات مردمی در باره قلعه مَغ در نهایت امر رازی را که نام «مَغ» در خود نهفته بود، برای ما آشکار می‌سازد. در آن یادی از عهد سغدیان در تاریخ مردم تاجیک، از دورانی که در علیای وادی زرافشان و نواحی مجاور آن به زبان سغدی حرف می‌زدند، باقی مانده است. پژوهشهای تاریخ‌شناسان شوروی سابق ثابت می‌کنند که تاجیکهای ساکن این منطقه اخلاف همان سغدیانی هستند که زمانی در این جا زندگی می‌کردند...

جالبترین سند همانا سند عقد ازدواج اتیگین، یکی از اعیان ترک با زن سغدی موسوم به دوغدونچه می‌باشد. سند مذکور مهمترین مأخذ خطی جهت پژوهش و تحقیق ازدواج و خانواده در زمان سغدیان است. این سند دارای معلوماتی است که برای توصیف مناسبات اجتماعی و اقتصادی آن روزگار حائز اهمیت فوق‌العاده خواهد بود. سند عقد ازدواج به روی پوست خوشنویسی شده است. شخصی که سند را تدوین کرده نیز معلوم می‌باشد که او همانا رامتیش فرزند وگاشفرن، یکی از بهترین کاتبان حرفه‌ای سغد سمرقند در اوایل قرن هشت میلادی است.^۴

بازیافتهای کوه مُغ دارای اهمیت زیاد تاریخی و علمی و فرهنگی می‌باشند. زیرا تا کشف این بایگانی، بسیاری اسناد زیاد سغدی از ترکستان چین کشف گردیده بود و بار نخست نوشته‌های سغدی از سرزمین اصلی دولت سغد دسترس عالمان ایران‌شناس جهان شد و در نتیجه تحقیق مفصل پژوهشگران بسیاری از نقاط تاریک تاریخ باستانی سغدیان- اجداد تاجیکان روشن گردید.

تمام اسناد مکشوفه بایگانی دیوشتیچ مورد تحقیق و بررسی عالمان قرار گرفته، به زبان روسی ترجمه و تشریح شدند و در سه جلد تحت عنوان «اسناد سغدی کوه مُغ» به نشر رسیده است. این اسناد ارزشمند و نادر اکنون در پژوهشگاه خاورشناسی روسیه در شهر سن پترزبورگ محفوظند.

دیگر از نواحی تاریخی این منطقه استروشنه (استروشن) است که در شمال تاجیکستان، در قلمرو ولایت سغد واقع گردیده است. زبان مردم این سرزمین نیز زبان سغدی بود. استروشنه در عهد باستان یکی از ایالت‌های دولت سغد محسوب می‌یافت. در این منطقه نیز باستان‌شناسان یادگارهای تاریخی قلعه‌های قهقهه، چهل حجره، هواتاغ، تل، مُغ، کورکت و غیره را مورد بررسی و تحقیق قرار داده‌اند. در نتیجه آثار غنی باستانی، از قبیل مجسمه‌ها، دیوارنگاره‌ها، اشیای سفالی، ظروف مختلف و تصویرهای حکاکی بر روی چوب و غیره یافت نمودند. از جمله در یکی از دیوارهای قصر افشینهای (شاهان) استروشنه تصویر ماده‌گرگی که دو طفل را می‌مکند، کشف گردید که خیلی نادر بوده، از لحاظ علمی و فرهنگی قابل توجه است. این صورت‌نگاره به تصویر مشهور پایه‌گذاران شهر رم - پایتخت ایتالیا که طبق روایات اسطوره‌ای آنها را ماده‌گرگی شیر داده و پرورش نموده است، شباهت دارد. راجع به این روایت اساطیری تا به امروز در بین عالمان خاورشناس جهان

بچها اءامه ءارنء كه آفا آن نءسء ءر شرق ٱفا ءرءفاه اسء فا ءر اروپا. ءر ءفاورنءاارههاى افا قصر و كوشكهاى باسءانى منظرههاى ءنء، الهء ءهارءسء شبفا به شفاواى هنءى، الهء سواره ءر بالاى شفر لءامءءه، ءصوفر ءفاوا، اسبها و ءنءاواران بالءار، بانوى عوءنواز و ءفره با نفاسء و زفافاى ءاص ءوء و سبء منءصر به فرء ءصوفر فافاءهءء كه از هنر و فرهنگ والاف سءءفاان اسءروشه باسءانى شهاءء مفا ءهنء.

ءر ٱفشءاق قصر افشفا (شاه) اسءروشنه اسءوره باسءانى ءقابل نفاكى و بءى، روشنى و ءارفاكى منءكس شده اسء كه ءر آن سفاماهاف شاهزاءه فرفاءون، كاوه آهنءر و ضءاك با ماران مءز آءمءوار ءر كءف ءءسم فافاءهءء. افا ٱفشءاق و ءفرءر آءار هنرى و فرهنگى اسءروشنه براف ءءقفاق عمفاق ءمءن افرانى قبل از اسلامى ءر آسفاى مفاانه اهمفا زفاءى ءارنء.

پی‌نوشتها:

- ۱- سعید نفیسی. سرزمین پاک نیاکانم. در کتاب «تاجیکان در مسیر تاریخ». گردآوری و تحقیق میرزا شکورزاده، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۳، ص. ۹-۱۲.
- ۲- باباجان غفوراف - تاجیکان. تاریخ قدیمترین، قدیم، قرون وسطی و دوره نو، جلدهای ۱، ۲، دوشنبه، نشریات «عرفان»، ۱۹۹۸، ص. ۳۲۷.
- ۳- آلبرت خروموف- سغدیان. پژوهشی در تاریخ، فرهنگ و وضعیت اجتماعی، با اهتمام علی بهرامیان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۶۵.
- ۴- آلبرت خروموف- سغدیان. پژوهشی در تاریخ، فرهنگ و وضعیت اجتماعی، به اهتمام علی بهرامیان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۶۵.

منابع و مأخذ:

۱. غفوراف باباجان. تاجیکان. تاریخ قدیمترین، قدیم، قرون وسطی و دوره نو، جلد‌های ۱، ۲، دوشنبه، نشریات «عرفان» سال ۱۹۹۸.
۲. غفوراف. باباجان. تاریخ خلق تاجیک، جلد ۱، به زبان روسی، مسکو، ۱۹۵۵.
۳. یکوبوفسکی ا. ی. مسائل تحقیق دیوارنگاره‌های پنچکنت قدیم، (به زبان روسی)، مسکو، ۱۹۵۴.
۴. رنوف. و. ا. عهد حجر تاجیکستان (به زبان روسی)، دوشنبه، ۱۹۶۵.
۵. آکلدنیکوف ا. پ. عهد حجر تاجیکستان، (به زبان روسی)، مسکو، ۱۹۶۴.
۶. مختاراف احرار. از پی تاریخ کهن، دوشنبه ۱۹۷۵.
۷. کرچکوفسکی ا. ی. در بالای دست‌خط‌های عربی، (به زبان روسی)، مسکو - لنینگراد، ۱۹۵۸.
۸. لیتوینسکی ب. ا. اجنه‌تپه، به زبان روسی، مسکو، ۱۹۷۱.
۹. خروموف البرت. سغدیان. پژوهش در تاریخ، فرهنگ و وضعیت اجتماعی، با اهتمام علی بهرامیان. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۰. سعید نفیسی. سرزمین پاک نیاکانم. در کتاب «تاجیکان در مسیر تاریخ»، گردآوری و تحقیق میرزا شکورزاده، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۳.